پژوهشنامه خراسان بزرگ

شماره ۳۴ بهار ۱۳۹۸

No.34 Spring 2019

۵۰-۳۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۱

نقش استراتژی توسعه شهری در جمعیت‌پذیری حاشیه شهر مشهد

هادی سلیمانی مقدم: استادیار گروه برنامه ریزی شهری و روستایی دانشگاه حکیم سبزواری

سعید پرندآور: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی مشهد (saied.parand@yahoo.com)

جواد فرهادی: دکترای جغرافیا و برنامه ریزی شهری (javadfarhadi2010@gmail.com)

چکیده

توسعه فیزیکی شتابان و نامتعادل شهرها، پیامدهای نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و کالبدی به همراه داشته که یکی از مهم‌ترین پیامدهای آن افزایش اسکان غیررسمی و تشدید ناپایداری اجتماعی و اقتصادی است. یکی از رویکردها جهت مواجهه با این پدیده، استراتژی توسعه شهری (CDS) است. این‌رویکرد با بهره‌گیری از مدل‌های برنامه‌ریزی استراتژیک، دامنه وسیعی از مسائل مدیریتی، اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و کالبدی شهرها را در برمی‌گیرد. از این‌رو، هدف پژوهش حاضر شناسایی میزان تحقق‌پذیری اصول اساسی استراتژی توسعه شهری در شهر مشهد و اولویت‌بندی نقش و تأثیر هریک از این اصول بر جمعیت‌پذیری حاشیه شهر مشهد می‌باشد. بنابراین از روش توصیفی-تحلیلی جهت مطالعه بافت‌های حاشیه شهر مشهد استفاده شد و با بهره‌گیری از اطلاعات موجود، شاخص‌های تشدیدکننده جمعیت‌پذیری (ابعاد اقتصادی، مهاجرت، مسکن و ابعاد اجتماعی) شناسایی گردید و با تجزیه و تحلیل نارسایی اصول استراتژی توسعه شهری (قابلیت زندگی، رقابت‌پذیری، بانک‌پذیری و حکمروایی شهری) که موجبات جمعیت‌پذیری حاشیه شهر مشهد را فراهم نموده است، میان چهار اصل اساسی CDS و عوامل عمده جمعیت‌پذیری حاشیه شهر از طریق تکنیک دلفی به‌صورت ماتریس زوجی وزن‌دهی شده و از طریق تکنیک TOPSIS تجزیه و تحلیل گشته است. نتایج و یافته‌ها نشان داد که وضعیت معیارهای استراتژی توسعه شهری در مشهد با میانگین کلی ۲/۸۲ در وضعیت مطلوبی نبوده و نارسایی‌ها در این معیارها موجبات جمعیت‌پذیری حاشیه شهر را فراهم نموده است. در بین شاخص‌های استراتژی توسعه شهری، بیشترین نارسایی به ترتیب در شاخص‌های حکمروایی خوب، قابلیت زندگی، بانک‌پذیری و رقابت‌پذیری می‌باشد.

واژگان کلیدی: استراتژی توسعه شهری (CDS)، جمعیت‌پذیری، حاشیه‌نشینی، شهر مشهد، مدل TOPSIS

Abstract

Rapid and unbalanced physical development in the cities has resulted in unsuitable economic, social, and physical consequences. This is one of consequences of informal settlements and economic and social unsustainability. One of the solutions for this problem is city development strategy (CDS). This approach includes a wide range of management, social, economic, environmental, physical issues in the cities. For this approach, different strategic planning models are used. Therefore, the objective of this research is the recognition of the possibility rate of principles of CDB (City Development Strategy) in Mashhad and prioritization of the effects and roles of each principle in population of suburban area of Mashhad. Descriptive- analytical method was used in order to study the context of suburban area of Mashhad. By using available information in databank of Mashhad Municipality and the future plans, the intensified indicators of population (economic, migration, housing, social) were recognized. By analyzing the failure of CDS principles (livability, comparability, bankability, and urban governance) which cause more population in suburban area, among four main principles of CDS , major factors of population in suburban area have been weighed by Delphi Technique and survey (in the form of paired matrix). They have been analyzed by TOPSIS technique. The results and findings showed that the condition of urban development strategy criteria in Mashhad with overall average of 2.82 was not in good condition and the failure in these criteria has caused the population marginalization of the city. Among the indicators of urban development strategy, the most breakdowns were in the indicators of good governance, viability, bankability and competitiveness.

Keywords: City Development Strategy (CDS), Population, Suburban dwelling,City of Mashhad, TOPSIS Model.

*نویسنده مسئول مکاتبات:هادی سلیمانی مقدم (۰۹۳۰۹۵۴۲۷۰۱) (h.soleymani@hsu.ac.ir)

مقدمه

مطابق آمار برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد[1]، از هر هشت نفر در سراسر جهان در سال ۲۰۱۴م یک نفر در سکونتگاه غیررسمی فقیر زندگی می‌کند که این جمعیت برای کشورهای درحال‌توسعه ۸۸۱ میلیون نفر می‌باشد. باوجود کاهش نسبت جمعیت این سکونتگاه‌ها به جمعیت شهری از ۳۹ درصد در سال ۲۰۰۰م به ۳۰ درصد در سال ۲۰۱۴م تعداد مطلق جمعیت این سکونتگاه‌ها ۲۸ درصد افزایش یافته است (UN-HABITAT, 2016:58). از طرفی حاشیه‌نشینی هم در اهداف هزاره و هم در اسکان بشر سازمان ملل به‌عنوان یکی از چالش‌های توسعه جهان معرفی شده است (UN-HABITAT, 2003: 2000). حاشیه‌نشینی تحت تأثیر پارامترهایی چون فقر اقتصادی، نوع شغل، تعارض فرهنگی، بی‌سوادی، هویت قومی، فرهنگی و فقدان کنترل است که عوارض آن در قالب برخی از پیامدهای حاد مسائل شهری تجلی می‌یابد (محسنی، ۱۳۸۹: ۱۳۵). محققین، علل حاشیه‌نشینی و به‌طورکلی مهاجرت را در چهارچوب الگوی رانش-کشش بررسی کرده و به توصیف عواملی نظیر فقر و نبود امکانات رفاهی-بهداشتی و از همه مهم‌تر کار و درآمد زیادتر در شهر می‌پردازند (وارثی، ۱۳۸٦: ۱۲). حاشیه‌نشینی از پیامدهای توسعه ناهم‌سو و بدریخت در نظام شهرنشینی و تهدیدکننده امنیت و رفاه عمومی ساکنان خود است (هیراسکار، ۱۳۸۷: ۱۰۹).

شهر مشهد با دارا بودن بیش از ۹۰۰ هزار نفر ساکن اسکان غیررسمی یکی از بزرگ‌ترین جمعیت‌های حاشیه‌نشین در سطح کشور را داراست. یکی از راه‌های کاهش و مقابله با این مشکل در دنیا بهره‌گیری از استراتژی توسعه شهری است.

نظام برنامه‌ریزی شهری ایران که بر پایه طرح‌های جامع و تفصیلی بنا نهاده شده فاقد چهارچوب و دیدگاهی دموکراتیک است. این نظام نیازمند اصلاح و بهره‌گیری از رویکردهای نوین برنامه‌ریزی همچون استراتژی توسعه شهری (CDS) برای بالا بردن مشارکت شهروندان است. گسترش شهرنشینی به همراه مسائل و مشکلات خاص زندگی شهری، بیش از پیش ضرورت توجه همه‌جانبه به راهبردهای سودمند برای بهینه‌سازی زندگی ساکنان شهرها را لازم ساخته است علی‌اکبری و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۹۴). برنامه‌ریزی شهری مستلزم ایجاد یک نظام یکپارچه از سطوح مختلف برنامه‌ریزی است که نحوه پیوستگی و هماهنگی میان سیستم‌های فرادست و فرودست را نشان می‌دهد (قمری و همکاران، ۱۳۹٦: ۲۹).

امروزه برای حل مشکلات سکونتگاه‌های حاشیه‌نشین به یک روش متعهدانه و متمرکزشده تأکید می‌شود. در این راستا یکی از مدل‌ها جهت این امر، رویکرد راهبردی توسعه شهری (CDS) است که به‌عنوان رهیافت نوینی به‌منظور چاره‌جوئی و حل مشکلات شهری در انتهای قرن بیستم مطرح شده است (صرافی و دیگران، ۱۳۸۸: ٦٦). برنامه‌ریزی راهبردی شیوه‌ای سیستماتیک است که بر پیوستگی بین اقدامات اولویت‌دار با در نظر داشتن توانایی‌ها و منابع و همچنین عوامل خارجی تکیه دارد. (بزادفر و زمانیان، ۸۹:۱۳۸۷) این نوع از برنامه‌ریزی بیشتر فعالیت‌گرا است و در مقایسه با برنامه‌ریزی سنتی با تصمیم‌گیری و اجرا سر و کار دارد (دانشپور، ۱۳۸۲: ۲۰). بااین‌وجود، به‌طورکلی در کشورهای جهان سوم به دلیل تحولات اقتصادی در نظام تولید که در طی دهه‌های اخیر بروز پیدا کرده قالب مردم که قبلاً در روستاها اسکان داشته‌اند، دست به مهاجرت گسترده به شهرها زده‌اند و در محله‌های مهاجرپذیر که عموماً در حاشیه شهرها مانند قارچ رشد کرده سکنی می‌گزینند (گیدنز، ۱۳۸۴: ٦۲۲). در ایران نیز، شهرنشینی بی‌رویه و شتابان زمینه‌های مسائل و معضلاتی را برای محیط‌های شهری ایجاد کرده است (نقدی و صادقی، ۲۱۳:۱۳۸۵) که این عامل به علت برونزا بودن آن، باعث مسائل مختلفی نظیر حاشیه‌نشینی در چهره خود شده است، این دوره که موسوم به شهرنشینی مشکل زاست از دهه ۱۳۴۰ آغاز شده است (نظریان،۱۳۷۹: ۷۸). از طرفی به‌طور میانگین در دهه گذشته، حدود ۲۳ درصد از سطح کالبدی برخی از شهرهای ایران (عمدتاً مراکز استانی) و در حدود ۳۰ درصد از جمعیت آن‌ها، به سکونتگاه‌های غیررسمی تعلق داشته و بیش از ۸۰

1. UN-Habitat

درصد این سکونتگاه‌ها در داخل محدوده قانونی شهرها قرار گرفته‌اند (محمدی، ۱۳۸۸: ۱۰۰).

در واقع رویکرد (CDS) به‌مثابه ابزاری تلقی می‌گردد که بهبود شرایط زندگی شهروندان را به‌عنوان هدف اصلی انتخاب کرده و مستقیماً مقوله کاهش فقر شهری را نشانه رفته، در این رویکرد روش‌های مشارکتی مورد تأکید قرارگرفته و هدف اصلی آن تأمین توسعه پایدار شهری از طریق ایجاد پتانسیل اجتماعی برای افزایش چشم‌انداز مشارکتی و اقدام همگانی می‌باشد. از این‌رو، در این پژوهش سعی بر آن بوده که با شناسایی شاخص‌های جمعیت‌پذیری حاشیه شهر مشهد، به بررسی نقش اصول اساسی استراتژی توسعه شهری (CDS) بر جمعیت‌پذیری حاشیه شهر مشهد پرداخته تا از طریق شناسایی حد مطلوب تأثیرگذاری این اصول بر شاخص‌های جمعیت‌پذیری حاشیه شهر، نارسایی‌ها و پتانسیل‌های موجود را اولویت‌بندی نموده تا بستر تحقق‌پذیری استراتژی توسعه شهری در مقابله با پدیده حاشیه‌نشینی را فراهم آورد. بنابراین در این راستا، دو پرسش اساسی مطرح می‌شود و آن اینکه: ۱. نارسایی در کدام‌یک از شاخص‌های اصلی الگوی (CDS) بسترساز جمعیت‌پذیری حاشیه شهر مشهد می‌باشد؟ ۲. تقویت کدام‌یک از شاخص‌های اصلی الگوی (CDS) زمینه مناسب‌تری برای کنترل جمعیت‌پذیری حاشیه شهر مشهد داشته است؟

پیشینه پژوهش

با توجه به اینکه تکیه عمده پژوهش حاضر بر مباحث اسکان غیررسمی و راهبرد توسعه شهری است، در این بخش به بیان ادبیات تحقیق در خصوص هر دو موضوع می‌پردازیم. نخستین مطالعات در زمینه حاشیه‌نشینی در ایران به سال ۱۳۵۰ بازمی‌گردد که بنا بر درخواست سازمان برنامه و بودجه، توسط مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران طرح وسیعی برای مطالعه و بررسی وضعیت سکونتگاه‌های غیررسمی ابتدا برای تهران و سپس سایر شهرهای بزرگ کشور چون بندرعباس، همدان، کرمانشاه و اهواز آغاز گردید. از دیگر مطالعات صورت گرفته در زمینه اسکان غیررسمی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

صالحی میرزی جرانی، در مقاله‌ای تحت عنوان آسیب‌شناسی شهرنشینی در ایران امروز معتقد است که عوامل و زمینه‌های آسیب بیشتر ریشه در فقر دارد که خود ناشی از نابرابری اکولوژیکی، اقتصادی و فرهنگی و توزیع ناعادلانه ثروت در بین اقشار مختلف است. سعدی محمدی و همکاران در مقاله‌ای تحت عنوان تبیینی بر تأثیر گسترش روزافزون حاشیه‌نشینی بر امنیت پایدار (شهری)، یکی از عوامل بر هم زننده امنیت پایدار کلان‌شهرها که تهدیدی جدی در زمینه تحقق امنیت پایدار آن‌ها به شمار می‌رود را معضل حاشیه‌نشینی می‌داند که زاییده برنامه‌ریزی‌های نامناسب اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. مجید کفاشی و همکاران در مقاله‌ای تحت عنوان حاشیه‌نشینی، چالشی فراروی توسعه شهر پایدار (با تأکید بر تهران)، حاشیه‌نشینی را یك بیماری تلقی می‌کند و حاکی از عدم سلامت ساختارهای اقتصادی و اجتماعی می‌داند. برای مقابله با چنین پدیده‌ای، علاوه بر اصلاح ساختارهای اقتصادی و اجتماعی، باید بی‌درنگ از گسترش آن ممانعت به عمل آورد و سپس به اصلاح مناطق حاشیه‌نشین مبادرت ورزید.

در خصوص مطالعات انجام‌شده در خصوص راهبرد توسعه شهری CDS به چند نمونه اشاره می‌کنیم. گلکار و همکاران در پژوهشی با عنوان *راهبرد توسعه شهر (CDS) چیست؟* به این نتیجه می‌رسند که راهبرد توسعه شهر CDS در ایران جدید است و زمان می‌برد تا به‌طور کاربردی مورد استفاده قرار گیرد ضمن اینکه اعلام می‌دارند قبل از استفاده از چنین راهبردی بایستی جوانب مختلف آن ازجمله هزینه و فایده به‌کارگیری آن را برآورد نمود.

کاردار و همکاران در پژوهشی تحت عنوان *طرح استراتژی توسعه شهری (CDS)؛ رویکردی راهبردی و نوین در مدیریت، طراحی و برنامه‌ریزی شهری*، به این نتیجه می‌رسند که طرح استراتژی توسعه شهری، رویکردی راهبردی است که هم‌اکنون در بسیاری از کشورهای جهان و به‌خصوص کشورهای درحال‌توسعه با استقبال مواجه شده است. درحالی‌که طرح‌های جامع و تفصیلی بیشتر نقش بازدارنده داشته و نقش هدایت‌کنندگی آن‌ها بسیار کمرنگ است، اما طرح‌های استراتژیک می‌توانند شهرداری‌ها و نهادهای مردمی را از حالت انفعال بیرون آورند و به آن‌ها نقشی فعال و هدفمند در جهت توسعه شهر اعطا نمایند. در حال حاضر

مردم نه‌تنها نمی‌دانند که چه نقشی در توسعه شهرشان دارند، بلکه حتی نمی‌دانند که شهرشان در آینده چگونه خواهد بود و به چه سویی پیش خواهد رفت. مسئولان شهری نیز تصور روشنی از آینده شهر ندارند. حال‌آنکه طرح استراتژی توسعه شهری، بستری را فراهم می‌کند تا مردم و مسئولان شهری با یکدیگر به این توافق برسند که از شهرشان چه می‌خواهند و سپس نقش هر یک را در جهت رسیدن به این هدف مشخص می‌نماید.

حاتمی نژاد و همکاران در پژوهشی با عنوان *امکان‌سنجی اجرای طرح‌های استراتژی توسعه شهری (CDS) در ایران*، با بهره‌گیری از مدل SWOT و تکنیک دلفی، نتیجه‌گیری می‌کنند که در شرایط کنونی ایجاد تغییرات بنیادین به‌ویژه در مدیریت شهری، اقتصاد شهری و شاخص‌های کیفیت زندگی در جهت بسترسازی به‌کارگیری استراتژی توسعه شهری امری ضروری است.

شماعی و همکاران در مطالعه‌ای با عنوان *تحلیلی بر برنامه‌ریزی توسعه شهر سردشت با رویکرد استراتژی توسعه شهری (CDS)*، با استفاده از مدل SWOT، نتیجه می‌گیرند که مناسب‌ترین استراتژی توسعه شهر سردشت so (استراتژی‌های توسعه‌ای) با مشارکت فعال مردم است.

جمیله توکلی نیا و همکاران در تحقیقی تحت عنوان *امکان‌سنجی راهبرد توسعه شهر (CDS) در توانمندسازی و ساماندهی غیررسمی منطقه یک کلان‌شهر تبریز*، ضمن پهنه‌بندی سکونتگاه‌های منطقه یک کلان‌شهر تبریز و شناسایی پهنه‌های فرودست با استفاده از شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست‌محیطی، ضمن نشان داد شکاف طبقاتی شدید بین پهنه فرودست با سایر پهنه‌ها، به این نتیجه می‌رسند که راهبرد توسعه شهر (CDS) در مقایسه با سایر رویکردها به دلیل ماهیت مشارکتی و رویکرد مبتنی بر اجتماعات محلی برای توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی منطقه یک تبریز مورد تأیید قرار گرفته است.

رضایی و همکاران در پژوهشی تحت عنوان *نقش استراتژی‌های توسعه شهری CDS در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی با تلفیق مدل‌های ANP و SWOT مطالعه موردی: شهرک بهار شیراز* به این نتیجه می‌رسند که: بخش عمده سکونتگاه غیررسمی شهرک بهار ناشی از مهاجرت‌های روستا -شهری است که از احساس تعلق شهروندی پایینی برخوردار بوده و برای سکونتگاه غیررسمی شهرک بهار شیراز، ایجاد اشتغال ساکنین و بهبود کیفیت مصالح و ساخت و سازها با ۲۲,۸۶ درصد اهمیت، استراتژی برتر، حکمروایی خوب محلی با ۱۸,۱ درصد استراتژی دوم و بهبود و افزایش کیفیت خدمات با ۱۲ درصد در اولویت سوم استراتژی قرار دارد.

کریمی و همکاران در تحقیق خود با عنوان *نقش راهبرد توسعه شهری CDS در توسعه پایدار شهری، مطالعه موردی، منطقه ۳ شهرداری شیراز*، با استفاده از روش کوکران و آزمون آلفای کرونباخ و آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره به این نتیجه می‌رسند که میانگین معیار قابلیت زندگی ۵۶/۲، رقابت‌پذیری ۳/۰۸، بانکی بودن ۲/۸۱ و حکمروایی خوب شهری ۲/۱۶ می‌باشد و با توجه به عدد ۲/۵ به‌عنوان میانه نظری، می‌توان گفت که منطقه ۳ به لحاظ برخورداری از شاخص‌های CDS وضعیت نسبتاً خوبی دارا می‌باشند معیارهای قابلیت زندگی، رقابت‌پذیری و حکمروایی خوب شهری دارای رابطه معنی‌دار می‌باشند و با توجه به نتیجه آزمون رگرسیون چندمتغیره، معیار بانکی بودن بیشترین تأثیر را در جهت ارتقاء رویکرد CDS در منطقه ۳ دارد.

علی‌اکبری و همکاران در مطالعه‌ای با عنوان *ارزیابی شاخص‌های توسعه شهری در کلان‌شهر کرمانشاه*، با بهره‌گیری از نرم‌افزارهای تخصصی چون Spss و استفاده از فرمول کوکران و آزمون تی به این نتیجه می‌رسند که وضعیت شاخص‌های چهارگانه استراتژی توسعه شهری در کرمانشاه، وضعیت نامطلوبی دارند و در بین ۴ شاخص، شاخص حکمروایی خوب شهری و قابلیت زندگی در وضعیت بسیار نامطلوب هستند.

درمجموع بامطالعه پیشینه تحقیق متوجه می‌شویم که در خصوص حاشیه‌نشینی مطالعات بسیاری انجام‌شده ولی در خصوص استراتژی‌های توسعه شهری ازجمله (CDS) در حاشیه شهر، با توجه به نو بودن آن مطالعات کمتری انجام‌شده از این‌رو، این تحقیق در راستای تکمیل تحقیقات قبلی به دنبال بررسی نقش (CDS) در حاشیه شهر مشهد

می‌باشد چراکه معتقد است سایر پژوهش‌های انجام‌شده قبلی کمتر به حاشیه شهر توجه داشته‌اند.

مبانی نظری

حاشیه‌نشینی یا اسکان غیررسمی

در طول زمان رویکردهای متفاوتی در برخورد با سکونتگاه‌های غیررسمی مورد آزمون قرار گرفته است. اولین کسی که اصطلاح حاشیه‌نشینی را به کار برد، رابرت ای. پارک[2] بود. پارک حاشیه‌نشینی را نتیجه عملکردهای اقتصادی- سیاسی می‌داند (انصاری، ۱۳۶۹: ۳۹). در این زمینه ارنست برگس[3] و لویس ور ث[4] معتقدند علت شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین تمرکز گروه‌های فقیر در نواحی فاقد خدمات کافی است (فکوهی، ۱۳۸۵: ۱۹۰) مارشال کلینارد[5] و ارنست برگس از طرفداران این نظریه معتقدند که حاشیه‌نشینی بر اثر تقسیم فضاهای شهری حاصل می‌آید (حیدری‌نوشهر و نظریان، ۱۳۹۰: ۳۴). تخلیه اجباری و حذف نیز رویکرد دیگری است که عمدتاً بین ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰م رواج داشت و سکونت‌گاه غیررسمی را غده‌ای چرکین بر بدن شهر می‌دانست که باید برچیده شود (پیری، ۱۳۹۳: ۹). یکی از رویکردهای نوین استراتژی توسعه شهری (CDS) می‌باشد که اساساً بر رشد اقتصادی شهرها تأکید داشته و با شناسایی و به‌کارگیری پتانسیل‌ها و امکانات بالقوه اقتصادی شهر، مبنایی برای توسعه در سایر جوانب را نیز، فراهم می‌کند. برنامه‌ریزی استراتژیک در دهه ۱۹۶۰م ابتدا در انگلستان و سپس در امریکا متأثر از نظریه سیستم‌ها و در واکنش به نواقص طرح‌های جامع و تفصیلی شهری به وجود آمد، این نوع برنامه‌ریزی اصولاً به سمت برنامه‌ریزی فرایندی، تصمیم سازی، برنامه‌ریزی محلی، مشارکت و تلفیق برنامه‌ریزی و اجرا روی می‌آورد (مهدیزاده، ۱۳۹۲: ۱۰۵). با توجه به اهمیت برنامه‌ریزی استراتژیک در سطح شهرها بانک جهانی با همکاری مرکز سکونتگاه‌های سازمان ملل متحد، سازمان ائتلاف شهرها باهدف همکاری در جهت بهبود شرایط زندگی در شهرهای کشورهای درحال‌توسعه در سال ۱۹۹۹ میلادی به وجود آوردند (Mukhija, 2005: 56).

به‌عبارت‌دیگر، علت ایجاد (CDS) تلاش برای یافتن پاسخی برای علت فقر فزاینده و رکود اقتصادی در شهر کلکته بود. بر اساس مطالعات سازمان ائتلاف شهرها (تأسیس در ۱۹۹۹م، کلکته، هند)، تصمیم‌گیری راهبردی در قلمرو مدیریت‌شهری در کشورهای درحال‌توسعه، هنوز به رویه‌ای متداول تبدیل نشده است. از این‌رو، این سازمان برای کمک به فرایندهای تصمیم‌ساز مشارکتی در فرایند برنامه‌ریزی شهری در کشورهای درحال‌توسعه و به‌منظور کاستن از سطح فقر شهری و تأمین توسعه پایدار، سند راهبرد توسعه شهر(CDS) را به‌مثابه ابزاری مؤثر، تهیه‌کرده و ترویج داد.

حاشیه‌نشینی در متون تخصصی علوم مربوطه به اجتماع و شهر، با عنوان‌های دیگری چون اسکان غیررسمی، اسکان خودرو، اسکان نابهنجار یا نابسامان، اسکان عداواتی، آلونك و زاغه‌نشینی و اصطلاحاتی از این دست نیز خوانده شده است (پرندآور، ۱۳۹۴: ۸۵). به عبارتی حاشیه‌نشینی، فرجام تمدن صنعتی مدرن و یکی از تجلیات غم‌انگیز شهرنشینی سریع است (پرندآور، ۱۳۸۵: ۴۹). از طرفی قشربندی اجتماعی، بیشتر بر نابرابری‌ها تأکید دارد و هدف بسیاری از جغرافیدانان کشف نابرابری‌هایی است که در اثر توزیع نامناسب منابع و امکانات به وجود می‌آید و این امر همواره موردتوجه برنامه‌ریزان شهری بوده و نظریه‌پردازان برنامه‌ریزی شهری را به ارائه فرضیاتی پیرامون پیدایش نابرابری واداشته است (Arbakaf, 2008:28, Hanik, 2007: 17).

اسکان غیررسمی و حوزه شمول مفهومی آن همچنان بازگوکننده دوگانگی متن و حاشیه و تقابل معنایی آن دو می‌باشد. به‌طوری‌که واژه غیررسمی نشان از حضور مطلق مفهوم متضاد و متقابلی به نام رسمی دارد ولی کاربرد آن به همراه واژه اسکان به شیوه‌ای غیرمتعارف، غیرقانونی، انگلی، بی‌برنامه و غیره از سکونت انسانی اشاره دارد که در چالش با بخش رسمی و قانونی معنا و مفهوم پیدا می‌کند (عبداللهی و جوان، ۱۳۸۷: ۱۳۴). گروه‌های مزبور بیشتر بر اثر نیروی دافعهٔ خاستگاه چون فقر و بیکاری و کمتر عوامل جذاب شهری، از زادگاه خود – روستا، ایل یا شهر- رانده‌شده و به

2. Robert E. Park
3. Ernest Burgess
4. Luis Wirth
5. Clinard Marshal

شهرها روی می‌آورند. ازآنجاکه اکثریت این گروه‌ها بی‌سواد بوده و مهارت لازم را جهت جذب در بازار کار شهر ندارند، عامل پس‌ران شهری نیز آن‌ها را از شهر رانده و به حاشیه کشانده است (ربانی و دیگران، ۱۳۸۵: ۹۲). در واقع حاشیه‌نشینان کسانی هستند که در محدوده اقتصادی شهر زندگی می‌کنند و جذب نظام اقتصادی و اجتماعی شهری نشده‌اند (لادن و شیرسوار، ۱۳۸۸: ۶۹). حاشیه‌نشین به فردی اطلاق می‌شود که به دلیل مشکلات معیشتی در نظام شهری تاب مقاومت نیاورده و به حاشیه کلان‌شهرها پناه آورده است تا از هزینه‌های زندگی در متن شهر در امان باشد (لطفی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۳۶). مشخصه‌های کلی این شیوه سکونت نیز در ایران عبارت‌اند از: ساخت و ساز خودرو و غیرقانونی، عدم رعایت اصول فنی و استانداردها، بهره‌مندی ناچیز از خدمات، سطح نازل کاربری‌های موردنیاز، وجود گروه‌های کم‌درآمد، اشتغال غیررسمی و بیکاری گسترده، نبود سنخیت با بقیه شهر و کمبود نظارت بر آن‌ها (رهنما و توانگر، ۱۳۸۷: ۸۸). همچنین در این فضاها، نارسائی عرصه خدمات درمانی، تراکم و ازدیاد جمعیت در واحدهای مسکونی، فقدان آسایش لازم و خطرات ناشی از عوارض طبیعی نظیر سیل دیده می‌شود (محسنی، ۱۳۸۹: ۱۳۴). این سکونتگاه‌ها دارای ویژگی‌های مختلف اجتماعی، مثل حضور مهاجران روستایی، سطح پایین سواد، سهم بالای مهاجرین، ویژگی‌های حقوقی مثل فقدان مالکیت رسمی زمین (داداش‌پور و علیزاده، ۱۳۸۹: ۳۶)، ویژگی‌های اقتصادی مثل سکونت خانوارهای کم‌درآمد و وابستگی شدید به فرصت‌های شغلی غیررسمی (رفیعیان و سیف‌الدینی، ۱۳۸۴: ۲۱) ویژگی‌های کالبدی-محیطی مانند توسعه بدون برنامه‌ریزی، مکان گزینی اغلب این سکونتگاه‌ها در لبه‌های شهری و یا در زمین‌های خالی از سکنه مجاور مناطق مرکزی، استقرار اکثر این مناطق در زمین‌های نامناسب، ناهموار و یا زمین‌های رهاشده و بلااستفاده می‌باشند (احمدیان، ۱۳۸۲: ۲۷۷). حاشیه‌نشینان به دلیل بضاعت کم مالی با توجه به توان اقتصادی، نتوانسته‌اند خود را با ساکنین متن نشین تطبیق دهند این عدم سازگاری اجتماعی سبب نفی آن‌ها به مناطقی است که بتوانند زمینه جذب آن‌ها را فراهم کند (پارسا پژوه، ۱۳۸۱: ۲۰۰-۱۹۹).

راهبرد توسعه شهر (CDS)

عناصر و اصول راهبرد توسعه شهری با تمرکز بر روی شهر به‌عنوان یك واحد تجزیه تحلیل و با درك این موضوع که شهرها منجر به رفاه ملی شده و جزء تفکیک‌نشدنی اقتصاد ملی هستند و با کمك به اصلاحات، تنظیم و سرمایه‌گذاری می‌توانند موجب افزایش بهره‌برداری در سطح ملی و محلی شوند تأکید می‌کند (رهنما و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱۰). ازاین‌رو راهبرد توسعه شهری (CDS)، برنامه‌ای است با ماهیت راهبردی که توأمان بر تهیه و اجرای سند تأکید می‌کند و تدوین آن بر پایه چشم‌اندازسازی مشارکتی صورت می‌پذیرد (تقوایی و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۰). در واقع راهبرد یا استراتژی توسعه شهر به دنبال آن است تا عملکرد شهر را بر پایه و اساسی پایدار، بهبود بخشد و آن را بر مبنای عواملی نظیر رشد اقتصادی پایدار توأم با بهبود و توسعه فرصت‌های زندگی، کاهش فقر، ارتقای شرایط محیطی و بهداشت عمومی، به‌ویژه برای سکونت‌گاه‌های غیررسمی و اقشار فقیر و کم‌درآمد، مورد بررسی و سنجش قرار دهد (رفیعیان و شاهین راد، ۱۳۸۷: ۱۰-۹). با این تفاسیر به‌طورکلی می‌توان گفت طرح استراتژی توسعه شهری فرایند تهیه چشم‌انداز بلندمدت از آینده شهر می‌باشد که بر اساس آن راهبردها و برنامه‌های اجرایی کوتاه‌مدت تهیه می‌شود. فرایند تهیه این طرح، فرایندی مشارکتی است که با مشارکت فعال بهره وران و دست‌اندرکاران اصلی شهر تهیه می‌شود (کاردار و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۸۵). اصول این رویکرد نیز به شرح زیر می‌باشند.

قابلیت زندگی (Livability): قابلیت زندگی یعنی فراهم کردن چارچوبی که تضمین کند فقیران به استانداردهای سلامتی و زندگی با کرامت دست یابند. همچنین این چارچوب باید سیستم‌هایی برای مسکن کافی، حق تصدی ایمن، اعتبار، حمل و نقل، سلامتی آموزش و سایر خدمات برای خانوارها فراهم کند و به کاستی‌های زیست‌محیطی، ایمنی عمومی و حفاظت از میراث فرهنگی در جهت منفعت تمامی ساکنا نیز توجه نماید (نوروزی فرد و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۴۵). در واقع شهری قابل زندگی است که در آن‌همه ساکنان بتوانند به‌صورت برابر از فرصت‌های

مشارکت، زندگی اقتصادی و سیاسی بهره‌مند شوند (خلیق و دیگران، ۱۳۹۲: ۸۵۳).

یکی از معیارهای قابلیت زندگی، سنجش کیفیت زندگی شهروندان است (اشرفی، ۱۳۸۸: ۹۶). کیفیت زندگی، مفهومی است چندوجهی که بررسی آن نیاز به اتخاذ رهیافتی بین‌رشته‌ای دارد. جامعه‌شناسی، جغرافیا، اقتصاد، بهداشت عمومی، حمل و نقل یا مهندسی محیط‌زیست، تنها بخشی از مراجع ممکن است که علاقه خود را به این موضوع با جذبه رو به گسترش در میان گستره‌های مختلف علوم، نشان داده‌اند (Morais and Camanho, 2011: 398). همچنین در طول بیست سال گذشته پژوهشگران متعددی پیشنهاد داده‌اند که ارزیابی کیفیت محیطی می‌بایستی شامل هم ارزیابی عینی پدیده‌های طبیعی و هم ارزیابی ذهنی واکنش‌های انسانی به آن‌ها باشد (LEE,2008:1205). بعضی از محققین کیفیت زندگی را در قالب رضایت از زندگی تعریف کرده‌اند (Dolincar and et al, 2012: 60). برای مثال Meeberg معتقد است کیفیت زندگی، احساسی است از رضایت کلی از زندگی که این احساس به‌وسیله شرایط روحی شخصی، در زندگی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (Meeberg, 1993: 37).

رقابت‌پذیری (Competitiveness): اقتصاد قوی، رشد اشتغال و درآمد و سرمایه‌گذاری همه‌جانبه را برای شهر پیشنهاد می‌دهد. لازمه توسعه کارآمد شهری، فراهم آوردن شرایط مناسب برای افزایش بهره‌وری افراد و مؤسسات است (صرافی و دیگران، ۱۳۸۸: ٦٨).

بانک‌پذیری (Bankability): یعنی از نظر بانک جهانی، شهر می‌بایست دارای سیستم مالیات شهری و مالی کارآمد در استفاده از منابع درآمدی خود باشد (همان: ٦٨).

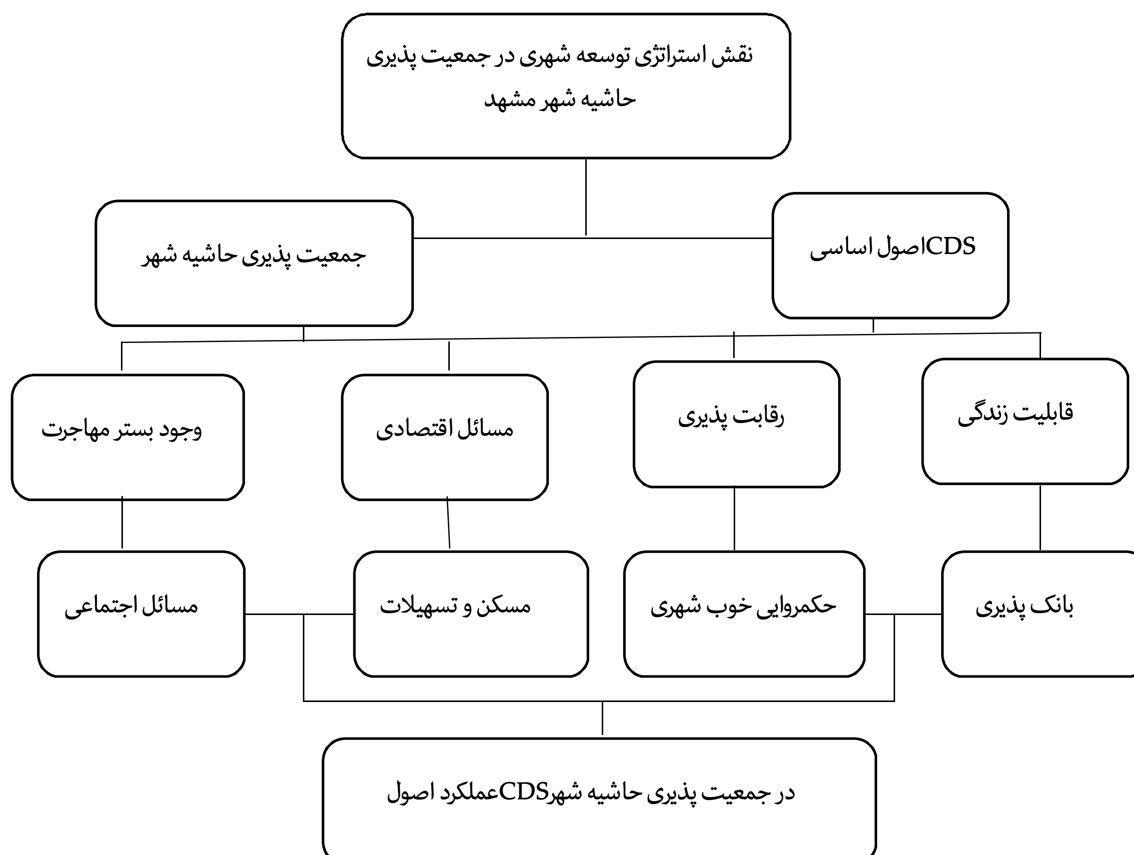
حکمروایی خوب (Good Governance): حکمروایی خوب راهکارها، فرایندها و نهادهایی را شامل می‌شود که از طریق آن‌ها شهروندان و گروه‌ها بتوانند به منافع و حقوق قانونی و نیز انجام تعهدات خود دست یابند (همان، ٦٩).

طراحی و سازماندهی CDS: طراحی و تدوین هر نوع استراتژی توسعه شهری لزوماً به معنی یك فرایند خطی نیست که با ارزیابی وضع موجود شروع‌شده و به اجرا ختم شود. در اغلب موارد فرایندهای CDS تکراری و یا موازی هستند (Marull, 2007: 13). فرایند تدوین و اجرای سند به‌طور عمومی از شش گام تشکیل می‌شود: ۱. برنامه‌ریزی پروژه، ۲. سنجش وضیعت کنونی، ۳. چشم‌اندازسازی، ۴. تدوین راهبرد، ۵. اجرا، ٦. کنترل (پایش) (گلکار و آزادی، ۱۳۸۴: ٦٤).

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق برحسب نوع، توصیفی-تحلیلی است که در این راستا از روش و ابزار گردآوری اطلاعات مبتنی بر بنیادهای نظری اکتشافی به‌صورت اسنادی و میدانی بهره برده. در مرحله میدانی از ابزارهای مشاهده و مصاحبه استفاده نموده و در بخش مطالعات اسنادی از داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن و اطلاعات موجود در بانک اطلاعاتی شهرداری مشهد و طرح‌های فرادست بهره‌گیری شده است. همچنین جهت تجزیه و تحلیل ارتباط میان اصول استراتژی توسعه شهری و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر جمعیت‌پذیری حاشیه شهر، از تکنیک TOPSIS استفاده‌شده است به این طریق که ابتدا ماتریس زوجی میان چهار اصل اساسی CDS و عوامل عمده، جمعیت‌پذیری حاشیه شهر تشکیل و نرمالیزه شد. در مرحله بعد به تدوین ماتریس وزن هریک از اصول و عوامل برای شهر مشهد پرداختیم که برای تعیین ضرایب اهمیت شاخص‌ها از تکنیک دلفی استفاده گشته است. بدین منظور، شرکت‌کنندگان دلفی را متخصصین و خبرگان برنامه‌ریزی و طراحی‌شهری (استادان دانشگاه، مدیران شهری و دانشجویان دکتری برنامه‌ریزی و طراحی شهری) که دارای چهار خصوصیت (دانش و تجربه در موضوع، تمایل، زمان کافی برای شرکت و مهارت ارتباطی مؤثر) می‌باشند، تشکیل داده‌اند. همچنین تعداد متخصصین برای جلوگیری از تکراری شدن اطلاعات معمولاً کمتر از ۵۰ نفر و اکثراً ۱۵ تا ۲۰ نفر در نظر گرفته می‌شود (احمدی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۷۷). از این‌رو، در این پژوهش از نظرات ۲۰ متخصص استفاده شده است. سپس ماتریس بی مقیاس وزنی با ضرب وزن هر شاخص در ماتریس نرمالیزه شده ایجاد نموده و درنهایت پس از تعیین ایده‌آل مثبت و نهایت افت فاصله هر یک از اصولی CDS را از این ایده‌آل-ها محاسبه نموده و از طریق ضریب C_i نقش هریک از این

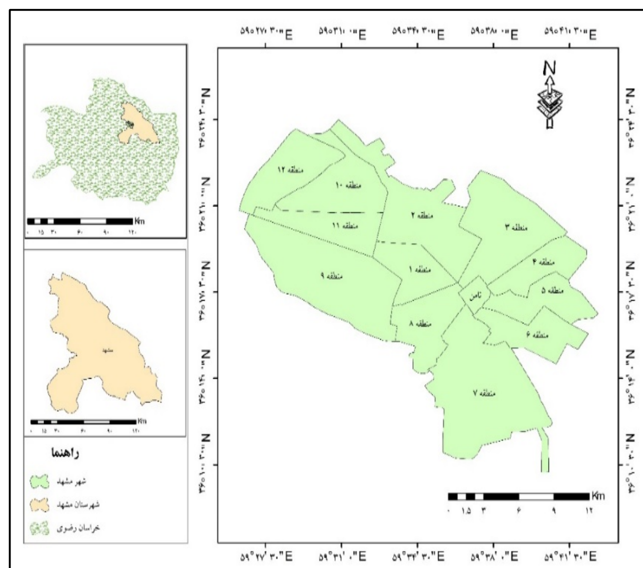
اصول را در جمعیت‌پذیری حاشیه شهر مشهد اولویت‌بندی نموده‌ایم.
در پژوهش حاضر جهت سنجش نقش الگوی راهبرد توسعه شهری در جمعیت‌پذیری، از طریق ۴ شاخص اصلی این الگو یعنی کیفیت زندگی، رقابت‌پذیری، بانک‌پذیری و حکمروایی خوب شهر، نقش این شاخص‌ها در عوامل عمده جمعیت‌پذیری حاشیه شهر شامل، مسائل اقتصادی، وجود بستر جذب مهاجر، مسکن و تسهیلات رفاهی و مسائل اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت که این‌روند در شکل (۱) آورده شده است.



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق (مأخذ: نگارندگان)

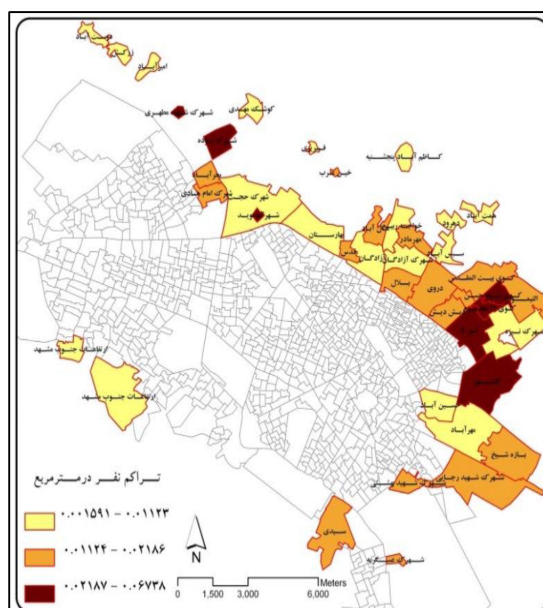
معرفی محدوده مطالعاتی

مشهد، مرکز استان خراسان رضوی در شمال شرقی ایران در فاصله ۸۹۲ کیلومتری تهران به‌عنوان دومین شهر و بزرگ‌ترین کلان‌شهر مذهبی کشور دارای جمعیت ۳,۰۳۱,۱۴۱ میلیون نفر می‌باشد. شهر مشهد در حوضه آبریز کشف رود، بین رشته‌کوه‌های بینالود و هزار مسجد واقع و ارتفاع شهر از سطح دریا ۹۸۵ متر می‌باشد (فرنهاد، ۱۳۸۷: ۲۶).



شکل۲: نقشه محدوده مورد مطالعه (مأخذ: نگارندگان)

در شهر مشهد بر اساس آمار سال ۱۳۹۵ حدود ۹۲۲,۲۸۲ نفر از جمعیت بیش از سه‌میلیون‌نفری مشهد در سکونتگاه‌های غیررسمی سکونت دارند (۳۰%) که جزء بزرگ‌ترین شهرهای دارای حاشیه‌نشین کشور محسوب می‌گردد. در شهر مشهد سکونتگاه‌های غیررسمی در قالب هشت پهنه (التیمور، قلعه ساختمان، گلشهر، خواجه ربیع، دروی، جاده قدیم قوچان، سیدی و سیس‌آباد) با مساحت ۳,۸۹٤ هکتار و ٦٦ محله که شامل ۸ منطقه شهری و ۴ آبادی می‌باشد استقرار یافته‌اند. این تراکم جمعیتی در سایه غفلت و عدم توجه مسئولین شهری و ملی در سالیان گذشته، ضمن دامن زدن به فقر و محرومیت، کمبود خدمات زیرساختی و عمرانی، مقاوم نبودن سازه‌ها، حضور اتباع بیگانه غیرمجاز، معضلات اجتماعی و فرهنگی مانند اعتیاد، طلاق، فساد و غیره را باعث شده است (شهرداری مشهد، ۱۳۹۵).



شکل ۳: تراکم جمعیت محلات حاشیه‌نشین شهر مشهد بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ (آمارنامه شهرداری مشهد، ۱۳۹۶)

جدول ۱: اطلاعات سکونتگاه‌های غیررسمی شهر مشهد بر اساس سرشماری عمومی سال ۱۳۹۵
(اطلاعات جمعیتی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر مشهد، معاونت برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی، ۱۳۹۵)

نام منطقه	جمعیت منطقه	جمعیت سکونتگاه‌های غیررسمی	درصد جمعیت سکونتگاه‌های غیررسمی منطقه	مساحت منطقه (هکتار)	مساحت سکونتگاه‌های غیررسمی (هکتار)	درصد مساحت سکونتگاه‌های غیررسمی منطقه	تراکم جمعیت منطقه (نفر در هکتار)	تراکم جمعیت سکونتگاه‌های غیررسمی منطقه (نفر در هکتار)
منطقه ۱	۱۶۷,۰۱۳	۰	%۰	۱,۴۷۷	۰	%۰	۱۱۳	۰
منطقه ۲	۵۱۳,۳۶۵	۹۲,۳۴۰	%۱۸	۳,۸۴۴	۳۹۹	%۱۰	۱۳۴	۲۳۱
منطقه ۳	۴۱۷,۹۵۰	۲۳۶,۰۶۳	%۵۶	۳,۳۰۷	۹۶۳	%۲۹	۱۲۶	۲۴۵
منطقه ۴	۲۶۱,۹۳۸	۱۴۲,۱۳۶	%۵۴	۱,۳۴۲	۴۷۲	%۳۵	۱۹۵	۳۰۱
منطقه ۵	۱۷۵,۸۴۹	۱۱۶,۹۴۵	%۶۷	۱,۴۳۸	۵۱۳	%۳۶	۱۲۲	۲۲۸
منطقه ۶	۲۳۲,۶۱۶	۱۶۰,۷۲۵	%۶۹	۱,۸۶۹	۷۰۸	%۳۸	۱۲۴	۲۳۰
منطقه ۷	۲۵۶,۵۷۵	۱۲۱,۴۲۵	%۴۷	۴,۸۱۸	۵۵۶	%۱۲	۵۳	۲۱۸
منطقه ۸	۸۹,۲۱۶	۰	%۰	۱,۸۵۴	۰	%۰	۴۸	۰
منطقه ۹	۳۲۷,۰۶۱	۰	%۰	۴,۴۷۳	۰	%۰	۷۳	۰
منطقه ۱۰	۲۹۶,۸۲۳	۲۶,۵۲۸	%۹	۲,۳۳۳	۱۰۲	%۴	۱۲۷	۲۶۰
منطقه ۱۱	۲۰۰,۱۶۱	۰	%۰	۱,۵۳۴	۰	%۰	۱۳۰	۰
منطقه ۱۲	۱۰۵,۲۶۳	۰	%۰	۶,۵۰۲	۰	%۰	۱۶	۰
منطقه ثامن	۱۳,۸۴۹	۰	%۰	۳۵۶	۰	%۰	۳۹	۰
پهنه‌های خارج از محدوده	۲۶,۱۲۰	۲۶,۱۲۰	%۱۰۰	۱۸۰	۱۸۰	%۱۰۰	۱۴۵	۱۴۵
مجموع	۳,۰۸۳,۷۹۹	۹۲۲,۲۸۲	%۳۰	۳۵,۳۲۷	۳,۸۹۴	%۱۱	۸۷	۲۳۷

جمعیت شهر مشهد بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵، برابر با ۳,۰۵۷,۶۷۹ است که با احتساب پهنه‌های خارج از شهر این جمعیت به ۳,۰۸۳,۷۹۹ رسیده است. طبق جدول (۱) در حال حاضر مساحت سکونتگاه‌های غیررسمی مشهد ۳,۸۹۴ هکتار است. جدول (۲) محلات حاشیه‌نشین شهر مشهد را به تفکیک و بر اساس میزان جمعیت و مساحت (هکتار) نشان می‌دهد.

جدول ۲: معرفی محلات حاشیه‌نشین شهر مشهد به تفکیک میزان جمعیت

(اطلاعات جمعیتی سکونتگاه غیررسمی شهر مشهد، معاونت برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی، ۱۳۹۵)

ردیف	نام محله	جمعیت	مساحت	ردیف	نام محله	جمعیت	مساحت	ردیف	نام محله	جمعیت	مساحت
۱	شهرک شهید مطهری	۳۱,۶۲۹	۱۵۵	۲۴	دیش دیش	۱۰,۸۹۶	۳۲	۴۷	بهارستان	۲۶,۸۹۸	۹۶
۲	شهرک امام علی	۲۵,۰۲۰	۱۰۵	۲۵	شهرک فاطمیه	۷,۸۴۷	۳۲	۴۸	کوی سیدی	۱۵,۰۵۵	۸۴
۳	قائم	۱۰,۴۱۱	۴۳	۲۶	بنی‌هاشم	۱۷,۵۶۶	۵۰	۴۹	کوی ولیعصر	۲۳,۶۴۱	۶۳
۴	مهدی‌آباد	۱۱,۵۴۰	۴۷	۲۷	بیت‌المقدس	۲۷,۳۱۷	۷۰	۵۰	کوی قائم	۱۳,۷۰۶	۴۴
۵	بحرآباد	۸,۶۹۸	۲۷	۲۸	طبرسی ۵۶	۱۷,۸۱۷	۵۸	۵۱	کوی مهدی	۵,۳۶۰	۵۹
۶	امام هادی	۷,۴۱۹	۳۳	۲۹	رده	۱۶,۳۶۷	۵۲	۵۲	حافظ	۳,۳۲۷	۳۱
۷	شهرک حجت	۹,۵۴۹	۴۰	۳۰	پنج‌تن	۲۱,۷۴۹	۶۴	۵۳	اکبرآباد سیدی	۳,۴۷۴	۱۹
۸	نوید	۱۰,۰۷۱	۳۳	۳۱	محمودآباد	۱۸,۸۸۶	۶۷	۵۴	مهرآباد	۱۶,۹۵۲	۸۹
۹	کال زرکش	۴,۶۸۱	۲۷	۳۲	چهارده معصوم	۱۲,۲۳۸	۳۸	۵۵	شهد عباسپور	۲,۳۳۳	۳۷
۱۰	صیدآباد	۹,۳۷۵	۶۴	۳۳	شیخ حسن	۳۳,۸۲۶	۹۳	۵۶	شهید صدوقی	۳,۱۶۵	۲۵
۱۱	کوشک مهدی	۲,۰۷۱	۳۱	۳۴	التیمور	۳۷,۹۸۸	۱۵۰	۵۷	امین‌آباد	۲,۲۰۵	۱۶
۱۲	سیس آباد	۹,۸۷۳	۷۶	۳۵	خطیب	۱,۰۸۲	۷	۵۸	امیرآباد	۶,۴۷۸	۵۴
۱۳	دهرود	۹,۹۹۳	۵۹	۳۶	بلال	۶,۴۵۸	۳۰	۵۹	محمدآباد	۲,۴۹۱	۲۱
۱۴	چائیش	۹,۹۶۶	۳۲	۳۷	قائم	۱۰,۳۸۱	۴۰	۶۰	شهرک شیرین	۲,۵۶۴	۱۱
۱۵	شهرک قدس	۷,۸۵۲	۲۸	۳۸	نخودک	۷,۹۴۰	۲۷	۶۱	کوچه حمام	۱۱,۱۹۹	۳۷
۱۶	آزادگان	۱۱,۰۰۳	۵۴	۳۹	کلاته ملاعلی	۴,۵۷۳	۱۷	۶۲	ده متری	۱۰,۸۷۶	۳۱
۱۷	بهمن	۲۲,۷۷۵	۷۷	۴۰	کوی مطهری	۳,۱۳۵	۱۰	۶۳	شهرک شهید رجائی	۶۰,۵۴۳	۲۴۲
۱۸	گلشاد	۸,۰۰۲	۲۹	۴۱	دروی	۲۵,۷۴۷	۹۹	۶۴	بازه شیخ	۲۷,۸۱۵	۱۱۲
۱۹	خواجه ربیع	۱,۲۹۹	۲۰	۴۲	گلشهر	۳۴,۱۹۱	۱۲۹	۶۵	ابراهیم‌آباد	۲,۶۱۷	۲۵
۲۰	مهرمادر	۱۳,۸۸۵	۹۵	۴۳	صاحب‌الزمان	۱۳,۵۴۶	۵۲	۶۶	قلعه خیابان	۳۳,۹۳۷	۱۶۱
۲۱	شهرک سیمان	۵,۷۷۹	۳۵	۴۴	روح آباد	۴۳,۲۸۴	۱۶۲				
۲۲	طالقانی	۶,۰۹۹	۳۳	۴۵	طرق	۲۸,۷۷۵	۱۵۹				
۲۳	شهرک آزادی	۴,۳۸۴	۳۸	۴۶	عسکریه	۴,۶۶۳	۲۰				
	مجموع									۹۲۲,۲۸۲	۳,۸۹۴

در خصوص امکانات و تجهیزات محلات حاشیه‌نشین شهر مشهد، اطلاعات زیر به دست آمد: تعداد ۵۳ داروخانه روزانه، ۶ داروخانه شبانه‌روزی. ۱۲ درمانگاه شبانه‌روز، ۸ پایگاه اورژانس. ۲۳۵ مطب پزشک، یک بیمارستان با ۱۰۰ تخت فعال (شهرداری مشهد، ۱۳۹۵).

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش برای سنجش متغیرهای تحقیق از تکنیک TOPSIS استفاده گردید. ازآنجاکه تمامی معیارها دارای اهمیت برابری نیستند، تکنیک تأسیس مجموعه‌ای از وزن‌ها را از تصمیم‌گیرنده دریافت می‌نماید که برای وزن‌دهی به شاخص‌های کیفی از طریق تکنیک دلفی از نظر تعداد ۲۰ کارشناس برنامه‌ریزی و طراحی شهری استفاده شده است و با میانگین‌گیری از نظرات آن‌ها به شاخص‌های کمی تبدیل شده است که در ادامه فرآیند پیمایش تدوین گردیده است.

تبیین شاخص‌ها و معیارها: شاخص‌های اصلی در استراتژی توسعه شهری (CDS) به‌عنوان معیارها و متغیرهای پژوهش و با هدف دستیابی به اولویت‌بندی آن‌ها، در راستای شناسایی نقاط ضعف عملکردی و جمعیت‌پذیری حاشیه شهر مشهد می‌باشد

.

جدول ۲: شاخص‌های استراتژی توسعه شهری (مأخذ: نگارندگان)

ردیف	شاخص‌ها	توضیح
۱	قابلیت زندگی	فرصت‌های همسان شهروندان برای زندگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در شهر (حیدری چیانه و رضاطبع، ۱۳۸۹: ٦٦)
۲	رقابت‌پذیری	فراهم آوردن شرایط مناسب برای افزایش بهره‌وری افراد و مؤسسات (صرافی و دیگران، ۱۳۸۸: ٦٨).
۳	بانک‌پذیری	وجود بانک اطلاعات شهری شفاف و دستیابی به سیستم مالیه شهری کارآمد جهت جذب سرمایه مالی و انسانی (بهزاد فر،۱۳۸۲: ۲۰).
۴	حمکراویی خوب	راهکارها و فرآیندها و نهادها جهت دستیابی شهروندان و گروه‌ها به منافع حقوقی و قانونی خود (صرافی و دیگران، ۱۳۸۸: ٦٩).

همچنین با شناسایی عوامل اصلی جمعیت‌پذیری حاشیه شهر مشهد، این عوامل که در چهار بعد اصلی شامل، عوامل اقتصادی، مهاجرت، مسکن و عوامل اجتماعی دسته‌بندی شده است را به‌عنوان معیارهای تحقیق در نظر گرفته شده است.

جدول ۴: معرفی معیارهای پژوهش (معیارهای جمعیت‌پذیری حاشیه شهر مشهد) (مأخذ: نگارندگان)

ردیف	معیارها	توضیح
A	مطلوبیت اقتصادی	دسترسی همسان شهروندان به فرصت‌های همسان اقتصادی به‌واسطه سیستم مدیریت شهری شفاف و پایدار
B	کنترل مهاجرت	شناسایی عوامل بسترساز برای مهاجرت از بیرون به شهر و از شهر به حاشیه
C	تأمین مسکن و امکانات آن	دسترسی همگانی شهروندان به مسکن مناسب و پایدار و امکانات لازم برای سکونت
D	مطلوبیت اجتماعی	حفظ جایگاه برابر اجتماعی شهروندان به‌واسطه ایجاد اشتغال، کاهش فقر و رفاه پایدار

اولویت‌بندی شاخص‌ها از طریق مدل TOPSIS

در ادامه ابتدا اطلاعات کمی حاصله از مصاحبه با خبرگان(تکنیک دلفی) در طیف پنج گزینه‌ای لیکرت (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم) دسته‌بندی‌شده است. در بررسی‌های آماری به هرکدام از این جواب‌ها به ترتیب مقادیر (۵، ۴، ۳، ۲، ۱) داده‌شده و از جواب‌های نمونه‌ها میانگین گرفته‌شده و میزان (۲/۵) به‌عنوان حد متوسط انتخاب گشته و مقادیر کمتر از آن به‌عنوان وضعیت

نامناسب و بالعکس منظور شده است. این اطلاعات شامل عملکرد هر معیار در شاخص‌های مربوط به شهر مشهد در راستای جمعیت‌پذیری حاشیه شهر و وزن‌دهی به شاخص‌ها نسبت به یکدیگر، تدوین گردیده است. پس از تبدیل‌شدن اطلاعات کیفی به کمی، برای اولویت‌بندی شاخص‌ها بر اساس تأثیر بر جمعیت‌پذیری حاشیه شهر مشهد، از مدل TOPSIS استفاده گردیده که مراحل آن در ادامه بیان گشته است.

مرحله اول: تشکیل ماتریس داده‌ها بر اساس n سناریو و k شاخص

جدول ۵: ماتریس خام، میزان تأثیر هر شاخص در معیارهای پژوهش (مأخذ: نگارندگان)

	معیارهای جمعیت‌پذیری حاشیه شهر مشهد				
شاخص‌های استراتژی توسعه شهری (CDS)	عنوان	A	B	C	D
	شاخص ۱	۲/۳	۳/۶	۳/۵	۲/۴
	شاخص ۲	۳/۱	۱/۸	۴/۴	۲/۳
	شاخص ۳	۲/۵	۲/۱	۴/۳	۳/۲
	شاخص ۴	۲/۳	۱/۵	۴/۶	۱/۲

مرحله دوم: استاندارد نمودن داده‌ها و تشکیل ماتریس استاندارد از طریق رابطه روبه رو:

$$rij = \frac{aij}{\sqrt{\sum_{k=1}^{m} a2kj}}$$

جدول ۶: ماتریس نرمالیزه شده، میزان تأثیر هر شاخص در معیارها (مأخذ: نگارندگان)

	معیارهای جمعیت‌پذیری حاشیه شهر مشهد				
شاخص‌های استراتژی توسعه شهری (CDS)		A	B	C	D
	شاخص ۱	۰/۲۲۵	۰/۴۰۰	۰/۲۰۸	۰/۲۴
	شاخص ۲	۰/۳۰۴	۰/۲۰۰	۰/۲۶۲	۰/۲۳
	شاخص ۳	۰/۲۴۶	۰/۲۳۳	۰/۲۵۶	۰/۳۲
	شاخص ۴	۰/۲۲۵	۰/۱۶۷	۰/۲۷۴	۰/۲۱

مرحله سوم: تعیین وزن هر یک از معیارها با توجه به اینکه مجموع آن‌ها برابر ۱ شود. در این راستا معیارهای دارای اهمیت بیشتر از وزن بیشتری برخوردارند.

جدول ۷: وزن‌دهی به معیارهای جمعیت‌پذیری حاشیه شهر مشهد (مأخذ: نگارندگان)

معیار	A	B	C	D
وزن	۰/۲۶۳	۰/۳۲۱	۰/۲۲۶	۰/۱۹۰

مرحله چهارم: در این مرحله ماتریس وزنی را از ضرب ماتریس بی مقیاس شده (نرمال شده) در وزن هر معیار که از مرحله قبل محاسبه گردید، به دست آورده شده است.

جدول ۸: ماتریس وزنی از طریق ضرب وزن هر معیار ماتریس نرمالیزه شده (مأخذ: نگارندگان)

	شاخص‌های جمعیت‌پذیری حاشیه شهر مشهد				
شاخص‌های استراتژی توسعه شهری (CDS)		A	B	C	D
	شاخص ۱	۰/۰۵۹	۰/۱۲۸	۰/۰۴۷	۰/۰۴۶
	شاخص ۲	۰/۰۸۰	۰/۰۶۴	۰/۰۵۹	۰/۰۴۴
	شاخص ۳	۰/۰۶۴	۰/۰۷۵	۰/۰۵۸	۰/۰۶۱
	شاخص ۴	۰/۰۵۹	۰/۰۵۴	۰/۰۶۲	۰/۰۴

مرحله پنجم: تعیین معیار فاصله‌ای گزینه ایده‌آل (بالاترین عملکرد در هر معیار) و گزینه حداقل (پایین‌ترین عملکرد هر معیار). بالاترین وزن هر معیار در شاخص‌های مختلف به‌عنوان معیار فاصله‌ای گزینه ایده‌آل و پایین‌ترین وزن هر معیار به‌عنوان معیار فاصله‌ای گزینه حداقل محاسبه گردید.

جدول ۹: معیار فاصله‌ای گزینه‌های ایده‌آل و حداقل (مأخذ: نگارندگان)

	A	B	C	D
گزینه ایده آل	۰/۰۸۰	۰/۱۲۸	۰/۰۶۲	۰/۰۶۱
گزینه حداقل	۰/۰۵۹	۰/۰۵۴	۰/۰۴۷	۰/۰۴

مرحله ششم: محاسبه فاصله i امین معیار از گزینه ایده آل و گزینه حداقل در هر شاخص. فاصله هر معیار از شاخص ایده‌آل و حداقل از فرمول‌های روبه رو محاسبه گردید:

$$si* = \sqrt{\sum_{j=1}^{n} (vij - vj*)2}$$

$$si- = \sqrt{\sum_{j=1}^{n} (vij - vj-)2}$$

جدول ۱۰: فاصله هر معیار از گزینه‌های ایده‌آل و حداقلی (مأخذ: نگارندگان)

شاخص	گزینه ایده‌آل S^*	گزینه حداقل S^-
قابلیت زندگی	۰/۰۲۸	۰/۰۲۵
رقابت‌پذیری	۰/۰۶۶	۰/۰۲۶
بانک‌پذیری	۰/۰۵۸	۰/۰۳۲
حکمروایی خوب	۰/۰۸۳	۰/۱۲۲

مرحله هفتم: تعیین ضریبی که برابر است با فاصله گزینه حداقل تقسیم‌بر مجموع فاصله گزینه حداقل و فاصله گزینه ایده‌آل که از رابطه روبه رو محاسبه می‌گردد و درنهایت اولویت‌بندی گزینه‌ها بر اساس میزان C_i که این میزان بین صفر و یک در نوسان است و در این راستا $C_i=1$ نشان‌دهنده بالاترین اولویت و $C_i=0$ بیانگر کمترین اولویت می‌باشد.

$$C1 = \frac{SI^-}{SI^- + SI}$$

جدول ۱۱: اولویت‌بندی گزینه‌ها بر اساس ضرورت اقدام (مأخذ: نگارندگان)

گزینه‌ها	مقدار C_i	اولویت اقدام
حکمروایی خوب	۰/۵۹۵	۱
قابلیت زندگی	۰/۴۷۲	۲
بانک پذیری	۰/۳۵۵	۳
رقابت پذیری	۰/۲۸۳	۴

نتیجه‌گیری

با توجه به تحلیل اطلاعات جدول (۵) میانگین عوامل استراتژی توسعه شهری بر جمعیت‌پذیری شهر مشهد، در شاخص قابلیت زندگی برابر ۲/۹۵، در شاخص رقابت‌پذیری برابر ۲/۹، در شاخص بانک‌پذیری برابر ۳/۰۲۵ و در شاخص رقابت‌پذیری برابر ۲/۴ می‌باشد. میانگین شاخص‌های مورد بررسی برابر ۲/۸۲ است که با توجه به نزدیک بودن به حد متوسط نشان از نارسایی این شاخص‌ها در شهر مشهد داشته که موجبات تشدید جمعیت‌پذیری در حاشیه شهر مشهد را فراهم نموده است. که شواهد فوق همگی دال بر

مناسب نبودن شاخص‌های راهبرد توسعه شهری در راستای جمعیت‌پذیری حاشیه شهر مشهد می‌باشد. از این‌رو، در صورت ارتقاء معیارهای استراتژی توسعه شهری در مشهد به حد بالای ۴، می‌توان جمعیت‌پذیری را در حاشیه شهر مشهد کنترل نموده و زمینه کاهش جمعیت در این بافت‌ها را فراهم نمود. چراکه وضعیت معیارهای استراتژی توسعه شهری در مشهد با میانگین کلی ۲/۸۲ در وضعیت مطلوبی نبوده و نارسایی‌ها در این معیارها موجبات جمعیت‌پذیری حاشیه شهر را فراهم نموده. در بررسی‌های صورت پذیرفته مشخص گردید، عوامل عمده حاشیه‌نشینی در شهر مشهد شامل مهاجرت، ابعاد اقتصادی، ابعاد اجتماعی و تأمین مسکن است که از این میان مهاجرت و ابعاد اقتصادی بیشترین تأثیر بر جمعیت‌پذیری حاشیه شهر داشته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شاخص‌های موردتوجه در رویکرد توسعه شهری (CDS) در حاشیه شهر مشهد با نارسایی‌هایی همراه می‌باشد. به عبارتی بر اساس نتایج حاصله از جدول (۱۱) از شاخص‌های استراتژی توسعه شهری، بیشترین نارسایی به ترتیب در شاخص‌های حکمروایی خوب، قابلیت زندگی، بانک‌پذیری و رقابت‌پذیری می‌باشد. به بیانی در صورت اجرای کامل و دقیق CDS در شهر مشهد به دلیل توزیع عادلانه امکانات در نقاط مختلف شهر از طریق حکمروایی خوب شهری و زمینه‌سازی رقابت‌پذیری و بانک‌پذیری در شهرها در نقاط مختلف شهر قابلیت زندگی مطلوبی حکم‌فرما شده و موجب کاهش پدیده حاشیه‌نشینی و جمعیت‌پذیری حاشیه شهر می‌گردد. امید است با مداخله سنجیده و مؤثر در معیارهای پیش‌گفته از افزایش جمعیت حاشیه شهر جلوگیری نموده و یا حتی آن را کاهش داد.

فهرست منابع

۱. احمدی، فضل‌الله، و همکاران. (۱۳۸۷). «تکنیک دلفی: ابزاری در تحقیق». *آموزش در علوم پزشکی*. (شماره ۸)، ۱۸۵-۱۷۵.

۲. احمدیان، محمدعلی. (۱۳۸۲). «حاشیه‌نشینی: ریشه‌ها و راه‌حل‌ها». *اندیشه حوزه*. (شماره ٤٤-٤٣)، ۲۹٦-۲۷٦.

۳. انصاری، عبدالمعبود. (۱۳٦۹). ***ایرانیان مهاجر در ایالات‌متحده، پژوهشی در حاشیه‌نشینی دوگانه***. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: آگاه.

۴. ایراندوست، کیومرث. (۱۳۸٦). «مرور تجربه‌های کوتاه توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی، نمونه شهر کرمانشاه». *جغرافیا و توسعه*. (شماره ۲۰)، ۷۸-۵۹.

۵. بهزادفر، مصطفی. (۱۳۸۲). «ضرورت و موانع ایجاد شهر هوشمند در ایران». *هنرهای زیبا*. (شماره ۱۵)، ۲۷-۱٤.

٦. بهزادفر، مصطفی، و روزبه زمانیان. (۱۳۸۷). «برنامه‌ریزی راهبردی توسعه گردشگری با تأکید بر بخش محصول، نمونه موردی: شهرستان نیشابور». علوم *مهندسی دانشگاه علم و صنعت ایران، ویژه‌نامه مهندسی معماری و شهرسازی*. (شماره ٦)، ۱۰۳-۸۹.

۷. پارسا پژوه، سپیده. (۱۳۸۱). «نگرشی از درون به پدیده حاشیه‌نشینی، مطالعه موردی اسلام‌آباد کرج». *رفاه اجتماعی*. (شماره ٦)، ۱۹۸-۱٦۱.

۸. پرندآور، سعید. (۱۳۹٤). «نقش راهبرد توسعه شهر (CDS) در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی، نمونه موردی شهرک امام علی مشهد». ***هفتمین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری***. شهرداری مشهد. مشهد.

۹. پیری، عیسی، و همکاران. (۱۳۹۳). «تبیین توانمندسازی سکونتگاه غیررسمی در کاهش جرائم شهری؛ رهیافتی پیشگیرانه». ***ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، با تأکید بر مؤلفه‌های شهر اسلامی***. شهرداری مشهد. مشهد.

۱۰. تقوایی، مسعود، و همکاران. (۱۳۸۵). «تحلیلی بر برنامه‌ریزی استراتژی توسعه شهری». ***انجمن راه و ساختمان ایران بنا***. (شماره ۳۰-۲۹). ٤۷-۲۱.

۱۱. توکلی نیا، جمیله و محمد شالی. (۱۳۹٤). «امکان‌سنجی راهبرد توسعه شهر (CDS) در توانمندسازی و ساماندهی غیررسمی منطقه یک کلان‌شهر تبریز». ***تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی***. (شماره ۳٦). ۱۳۸-۱۱۷.

۱۲. جوان، جعفر و عبدالله عبداللهی. (۱۳۸۷). «عدالت فضایی در فضاهای دوگانه شهری (تبیین ژئوپلیتیکی الگوهای نابرابری در حاشیه کلان‌شهر مشهد». ***ژئوپلیتیک***. (شماره ۲)، ۱۵٦-۱۳۱.

۱۳. حاتمی نژاد، حسین، و امین فرجی ملایی. (۱۳۹۰). «امکان‌سنجی اجرای طرح‌های استراتژی توسعه شهری

(CDS) در ایران». ***مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای***. (شماره ۸)، ۷۶-۵۵.

۱۴. حیدری نوشهر، مهری، و اصغر نظریان. (۱۳۹۰). «بررسی عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی و بازتاب‌های آن، با تأکید بر کاربری خدمات شهری، نمونه موردی شهر یزد»، ***جغرافیایی سرزمین***. (شماره ۳۱)، ۴۹-۳۱.

۱۵. داداش پور، هاشم، و بهنام علیزاده. (۱۳۸۹). اسکان غیررسمی و امنیت تصرف زمین. تهران: آذرخش.

۱٦. دانشپور، زهره. (۱۳۸۲). «برنامه‌ریزی راهبردی و برنامه ریزی اختیار راهبردی». ***مدیریت شهری***. (شماره ١٤)، ٢٣-١٤.

۱۷. ربانی، رسول، و همکاران. (۱۳۸۵). «بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مسئله حاشیه‌نشینی و پیامدهای اجتماعی آن در شهر اهواز». ***جغرافیا و توسعه***. (شماره ۷)، ١١٤-٨٩.

۱۸. رفیعیان، مجتبی، و فرانک سیف‌الدینی. (١٣٨٤). «راهبردهای ساماندهی اسکان‌های غیررسمی شهری و برنامه مداخله در شهر بندرعباس». ***مهندسی صنایع و مدیریت تولید***. (شماره ١٦)، ٥٢-٢٧.

۱۹. رفیعیان، مجتبی، و مهنوش شاهین راد. (۱۳۸۷). «راهبرد توسعه شهر در جهت تحقق برنامه‌ریزی توسعه شهری با تأکید بر برنامه راهبردی شهر کرمان». ***مطالعات اجتماعی ایران***. (شماره ۲)، ۲۲-۱۳.

۲۰. رضایی، محمدرضا، و ببراز کریمی. (۱۳۹۵). «نقش استراتژی‌های توسعه شهری CDS در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی با تلفیق مدل‌های ANP و SWOT مطالعه موردی: شهرک بهار شیراز»، ***برنامه‌ریزی منطقه‌ای***. (شماره ۲۲)، ۱۲۰-۱۰۹.

۲۱. رهنما، محمدرحیم، و همکاران. (۱۳۹۱). «مدیریت شهری و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی نمونه موردی: کوی نه دره مشهد». ***جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای***. (شماره ۱۸)، ٧٣-٤٣.

۲۲. رهنما، محمدرحیم، و معصومه توانگر. (۱۳۸۷). «بررسی تطبیقی حاشیه‌نشینی در شهرهای سبزوار، نیشابور، تربت‌حیدریه و گناباد». ***جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای***. (شماره ۱۱)، ۱۱۵-۸۳.

۲۳. محمدی، علیرضا. (۱۳۸۸). «ظرفیت سازی اجتماع محور: پشتوانه ساماندهی سکونتگاههای غیر رسمی». ***هفت شهر***. (شماره ۲۹و ۳۰). ۱۱۳-۹۸.

۲٤. شماعی، علی، و همکاران. (۱۳۹۳). «تحلیلی بر برنامه‌ریزی توسعه شهر سردشت با رویکرد استراتژی توسعه شهری (CDS)». ***چشم‌انداز جغرافیایی در مطالعات انسانی***. (شماره ۲۷)، ۵۱-۳۵.

۲۵. ***شهرداری مشهد، اطلاعات جمعیتی سکونتگاه غیررسمی شهر مشهد***. (۱۳۹۲). معاونت برنامه‌ریزی و توسعه.

۲۶. صالحی مرزیجرانی، زهرا. (١٣٨٤). «آسیب شناسی شهرنشینی در ایران امروز». ***اطلاعات سیاسی اقتصادی***. (شماره ۲۱۱ و ۲۱۲). ۱٦۷-۱٦۲.

۲۷. صرافی، مظفر، جمو همکاران. (۱۳۸۸). «راهبرد توسعه شهر مبتنی بر توسعه پایدار مطالعه موردی: شهر شبستر». ***جغرافیا***. (شماره ۲۲)، ۸۲-٦٥.

۲۸. علی‌اکبری، اسماعیل، و حسین کماسی. (۱۳۹۷). «ارزیابی شاخص‌های استراتژی توسعه شهری (CDS) در کلان‌شهر کرمانشاه». ***جغرافیا و توسعه فضای شهری***. (شماره ۱، شماره پیاپی ۸)، ۲۱۰-۱۹۳.

۲۹. فکوهی، ناصر. (۱۳۸۵). انسان‌شناسی شهری. تهران: نشر نی.

۳۰. قمری، شیما، و سید موسی پورموسوی. (۱۳۹٦). «بررسی تأثیرات هویت اجتماعی محلات در طرح‌های توسعه شهری»، ***مطالعات مدیریت شهری***. (شماره ۳۱)، ۳۵-۲۹.

۳۱. کاردار، سعید، و همکاران. (۱۳۸۸). «طرح استراتژی توسعه شهری (CDS)؛ رویکردی راهبردی و نوین در مدیریت، طراحی و برنامه‌ریزی شهری». ***راهبرد***. (شماره ۵۲)، ۱۹۹-۱۸۳.

۳۲. کریمی، فریده، و همکاران. (۱۳۹۷). «نقش راهبرد توسعه شهری CDS در توسعه پایدار شهری، مطالعه موردی، منطقه ۳ شهرداری شیراز». ***پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری***. (شماره ۱، پیاپی ۱۷)، ۹۱-١٠٤.

۳۳. کفاشی، مجید و مهرداد نوابخش و سروش فتحی. (۱۳۹۹۳). «***حاشیه‌نشینی، چالشی فراروی توسعه شهر پایدار (با تأکید بر تهران)***». مقالات پرتال فرهنگی راسخون.

۳۴. گلکار، کوروش، و جلال آزادی. (١٣٨٤). «راهبرد توسعه شهر (CDS) چیست؟». ***شهرنگار***. (شماره ۳۰). ۸۰-۵۹.

۳۵. گیدنز، آنتونی. (١٣٨٤). جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.

۳٦. لادن، علیرضا، و هادی رزقی شیرسوار. (۱۳۸۸). «دلایل حاشیه‌نشینی در کلان‌شهر تهران». ***مطالعات مدیریت شهری***. (شماره ۳)، ۸۰-٦۳.

۳۷. لطفی، حیدر، و همکاران. (۱۳۸۹)، «بحران حاشیه‌نشینی و سکونتگاه‌های غیررسمی در مدیریت کلان‌شهرها و رهیافت‌های جهانی»، *نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی (جغرافیای انسانی)*. (شماره ۲)، ۱۴۵-۱۳۵.

۳۸. محسنی، رضاعلی. (۱۳۸۹). «مسئله حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی با تأکید بر توانمندسازی آن مطالعه موردی حاشیه‌نشینان گرگان». *جغرافیای انسانی*. (شماره ٤)، ۱۵۲-۱۳۳.

۳۹. محمدی، سعدی، و سوران منوچهری و آزاد داودی.(۱۳۹۴). «تبیینی بر تاثیر گسترش روز افزون حاشیه نشینی بر امنیت پایدار(شهری)». *دانش انتظامی پلیس پایتخت. سال هشتم* (شماره۲۷)، ۱۴۳-۱۲۱.

۴۰. مهندسین مشاور فرنهاد. (۱۳۸۷). *طرح جامع مشهد*.

۴۱. نظریان، اصغر. (۱۳۷۹). *جغرافیای شهری ایران*. تهران: دانشگاه پیام نور.

٤۲. نقدی، اسدالله. (۱۳۸٦). *حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی*. همدان: فن‌آوران.

٤۳. نقدی، اسدالله، و رسول صادقی. (۱۳۸۵). «حاشیه‌نشینی چالشی فراروی توسعه پایدار شهری، نمونه موردی شهر همدان». *رفاه اجتماعی*. (شماره ۲۰)، ۲۳۳-۲۱۳.

۴۴. نوروزی فرد، و همکاران. (۱۳۹۳). «امکان‌سنجی استفاده از استراتژی توسعه (CDS) در نظام شهرسازی ایران و ارائه چارچوبی جهت تحققپذیری آن». *مدیریت شهری*. (شماره۳٤)، ۲۵۸-۲۳۷.

٤۵. وارثی، حمیدرضا و صفر قائد رحمتی. (۱۳۸٦). «بررسی اثرات توزیع خدمات شهری در عدم تعادل فضایی جمعیت، مطالعه موردی: مناطق شهر اصفهان». *جغرافیا و توسعه*. (شماره پیاپی۹)، ۱۰٦-۹۱.

٤٦. هیراسکار، جی کی. (۱۳۸۷). *درآمدی بر مبانی برنامه‌ریزی شهری*. ترجمه محمد سلیمانی و احمدرضا یکانی فرد. تهران: جهاد دانشگاهی.

47. Arbakaf, A. (2008). «*On the measurement of service sector in urban economy*». London: Rouledge.

48. Dolincar, S, Yanamandram, V, Cliff, K, (2012). «The contribution of vacations to quality of life». *Annals of tourism research*, (Vol 39), 59-83.

49. Hanink, D, (2007). «*Application of urban economy*». Oxford university.

50. Lee, Y (2008). «Subjective quality of life measurement in Taipei». *Building and Environment, (*Vol 43), 1205-1215.

51. Meeberg, G, (1993). «Quality of life: A concept analysis». *Journal of Advanced Nursing*, (vol,18), 32-38.

52. Morais,P, Camanho, A, (2011). «Evaluation of performance of European cities with the aim to promote quality of life improvements».*omega,Elsevier,* (Vol 39), 398-409.

53. Mukhija, Vinit, (2005). « Viewpoint Challenges for international development planning: Preliminary lessons from the case of the Cites Alliance». *Citiese*, (Vol 23), 56-62.

54. UN-HABITAT(2003). «*Challenge of Slums*». Global report on Human Settlement.

55. UN-HABITAT(2016)« *Urbanization and Development - Emerging Futures*». World Cities Report.